

Criminal policy in support of victims of terrorist crimes

Nasimi .Saeed¹ - Mesjedasaraei. hamid^{2*}  - Hasani. Mohammad Hasan³

1: PhD student in Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2: Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan University, Semnan, Iran:
Correspondence author (h_masjedsaraei@semnan.ac.ir)

3: Assistant Professor, Department of Law, Damghan University, Damghan, Iran.

Abstract The terrorist attacks of 11 September to the World Trade Center and the Pentagon building in the United States, in just one day, resulted in more than 3000 victims. The main losers of terrorist acts and attacks are the victims of the view that these actions are essentially the violation of their basic rights, such as their right to life, liberty and property. The importance of supporting the victims of terrorist crimes is to the point that their compensation is inappropriate and inadequate by the conventional method of damaging other crimes. Right now Terrorist crimes with variable figures and different victims threaten human life and cause descriptive-analytical research of this issue in this article that supports Efficient of terrorism offenders, what policies and measures are appropriate in criminal systems? According to the findings of the study, the real compensation of victims of terrorism based on the standards of international humanitarian law requires coordination and international action plans. Damage of victims from terrorist acts should be compensated without discrimination, regardless of nationality, race, color, religion, gender, and fairly, proportionate and timely. Facilitating the process of deleterization of the victims of terrorism is appropriate for the intervention of the public and private sectors to repair their material and spiritual losses, regardless of the identification of the factors of such actions: Adopting a special law for the protection of terrorism victims, increasing the powers of the police in identifying, arresting and arresting suspected terrorist acts, establishing the Office for the Investigation of Terrorism Victims, prescribing interference by NGOs in announcing the occurrence of terrorist crimes and filing complaints and effective presence in the proceedings, Providing free judicial services and assistance to the affected offenders and timely informing them of the proceedings, providing immediate and free medical and medical services, Exemption of the victim and its family from any taxes and judicial and medical expenses, use of resources and capacities of insurance companies, public assistance, Establishment of a special fund to support the victims of terrorism and immediate payment of damages to the victims are among the effective strategies for supporting such criminals.

Keywords: criminal policy, protection of victims, terrorist crimes.

- S. Nasimi; H. Mesjedasaraei; M. Hasani (2024). Criminal policy in support of victims of terrorist crimes, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(34), 139-170.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.29170.3461](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.29170.3461)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۶ - شماره ۳۴ - بهار ۱۴۰۳

صفحات ۱۳۹-۱۷۰ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۹/۱۱ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۷/۰۶ - پذیرش ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

سیاست کیفری در حمایت از بزه دیدگان جنایات تروریستی

سعید نسیمی^۱ / حمید مسجdsرایی^۲ / محمدحسن حسنی^۳

۱: دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲: استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول) h_masjedsaraie@semnan.ac.ir

۳: استادیار گروه حقوق، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران.

چکیده: حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به مرکز تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون در آمریکا، تنها در یک روز بیش از ۳۰۰۰ قربانی در بر داشت. بازنده اصلی اقدامات و حملات تروریستی، بزه دیدگانی هستند که این اقدامات اصولاً و ابتدائاً تجاوز به حقوق اولیه و اساسی آنها چون حق حیات، آزادی و مالکیتشان می باشد. اهمیت جایگاه حمایت از بزه دیدگان جنایات تروریستی تا جایی است که جبران خسارت آنان با روش مرسوم در خسارت زدایی سایر جرایم، نامناسب و ناکارآمد است. در حال حاضر، جنایات تروریستی با چهره های متغیر و بزه دیدگان متعدد و متفاوت خود حیات بشر را تهدید می کند که موجب طرح و پژوهش توصیفی - تحلیلی این مسأله در این نوشتار شده است که حمایت کارآمد از بزه دیدگان تروریسم، مقتضی اتخاذ چه سیاست و تدابیری در نظام های کیفری است؟ بنا به یافته های پژوهش، جبران واقعی خسارت بزه دیدگان از تروریسم بر مبنای موازین حقوق بین الملل بشر دوستانه، نیازمند همگرایی و برنامه های اقدام بین المللی است. خسارت بزه دیدگان از اقدامات تروریستی باید بدون تبعیض و صرفنظر از ملیت، نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت و به صورت منصفانه، متناسب و به موقع جبران گردد. تسهیل فرایند خسارت زدایی از بزه دیدگان تروریسم مقتضی مداخله بخش های عمومی و خصوصی در جهت ترمیم ضرر و زیان مادی و معنوی آنان، صرفنظر از شناسایی عوامل اینگونه اقدامات است: تصویب قانون خاص حمایت از بزه دیدگان تروریسم، افزایش اختیارات پلیس در شناسایی، دستگیری و توقیف مظنونان به اقدامات تروریستی، تأسیس اداره رسیدگی به بزه دیدگان تروریسم، تجویز مداخله سازمان های مردم نهاد در اعلام وقوع جرائم تروریستی و طرح شکایت و حضور مؤثر در جریان دادرسی، ارائه خدمات و مساعدت قضائی رایگان به بزه دیده و اطلاع رسانی به موقع آنان از روند دادرسی، ارائه خدمات پزشکی و درمانی فوری و رایگان، معافیت بزه دیده و خانواده آن از هرگونه مالیات و هزینه های قضائی و درمانی، استفاده از منابع و ظرفیت های شرکت های بیمه، کمک های مردمی، تأسیس صندوق خاص حمایت از بزه دیدگان تروریسم و پرداخت فوری خسارات وارده به بزه دیدگان از جمله راهکارهای حمایت کارآمد از اینگونه بزه دیدگان است.

کلیدواژه: سیاست کیفری، حمایت بزه دیدگان، جنایات تروریستی

- نسیمی، سعید؛ مسجdsرایی، حمید؛ حسنی، محمدحسن (۱۴۰۳). سیاست کیفری در حمایت از بزه دیدگان جنایات تروریستی. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۴، صفحات ۱۳۹-۱۷۰.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.29170.3461](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.29170.3461)

مقدمه

بزه و جرم به عنوان پدیده‌ای مخالف نظم و امنیت اجتماعی در جوامع انسانی است که با تحوّل جوامع و بر حسب زمان و مکان، اشکال جرائم و شیوه‌های ارتکاب آن در حال تغییر و تحوّل است. قانونگذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص تعریف واژه بزه، اینگونه مقرر داشته است: «هر رفتاری اعمّ از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.» مراد از بزه دیده، کسی است که جرمی علیه جان، مال، عرض یا یکی از حقوق مادی و معنوی او واقع شده باشد. بزهدار نیز کسی است که فعلی مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار مرتکب شود (الیاسی نیا و عارف نیا، ۱۳۹۹: ۶۹-۷۰).

حملات شرورانه و خصمانه، قربانیان متعدد و مختلفی را در پی خواهد داشت؛ از جمله کسانی که کشته و شکنجه شده‌اند، کسانی که محروم و معلول شده‌اند، کسانی که به آنها توهین شده و بهت زده گشته‌اند، کسانی که در نتیجه این اعمال مجروح شده‌اند و کسانی که ربوده شده و یا بازداشت شده‌اند و افرادی که محروم و بی‌خانمان شده‌اند. بزه دیده جرم از سده ۸۰ و بعد از آن، از سوی سیاست کیفری مورد توجه خاص قرار گرفت. این حمایت‌های قانونی به فشارهای نامطلوب فرایند دادرسی کیفری بر بزه دیده توجه داشته و به سوی تجهیز و جبران خسارات مادی و غیر مادی بزه دیدگان گام برداشته است. این امر با عنوان بزه دیده شناسی که در آغاز به مطالعه نقش و ویژگی‌های بزه دیده در تکوین جرم و همچنین رابطه قربانی جرم و مجرم پرداخته بود، از اواخر سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵، ضمن حفظ هویت قبلی خویش چشم انداز جدیدی را ارایه می‌دهد که در آن شخص بزه دیده به عنوان یک انسان (بدون توجه به فعلیت عمل کیفری و دخالت وی در وقوع جرم) مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

این تحوّل تحت عنوان حمایت از بزه دیدگان، به بزه دیده شناسی ثانوی یا بزه دیده شناسی کنشی معروف گردید. در زمانی کوتاه از یک سو، به تأسیس سازمان‌ها، انجمن‌ها و صندوق‌های حمایت از بزه دیدگان و همزمان از سوی دیگر، به ایجاد تحوّل در

قوانین جزایی برخی از کشورها به طور مثال، قانون آیین دادرسی فرانسه در ژوئن ۲۰۰۱ در جهت ملاحظه حقوق و موقعیت های حقوقی بزه دیدگان و تأمین خسارت توسط دولت ها و بسیاری از دیگر کشورها و البته بعد از آن منجر به سیاست گذاری های منطقه ای مانند شورای اروپا و بین المللی مانند اقدامات سازمان ملل متحد، از جمله تصویب طرح اصول اساسی استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری در شورای اقتصادی و اجتماعی آن سازمان در سال ۲۰۰۲ شد (غلامی، ۱۳۸۷: ۱۶۷). این حمایت از بزه دیدگان به تدریج گسترش یافت، به طوری که تمام جنبه های حمایتی بزه دیدگان را در بر گرفت تا جایی که اکنون به حمایت از قربانیان غیر مستقیم جرم، یعنی افرادی که به نوعی با قربانیان ارتباط دارند نیز سرایت داده شده است.

از سوی دیگر، از سال ۱۹۶۰ جامعه متمدن به صورت جدی از بیماری جهانی تروریسم رنج برده است. این امر واقعیت دارد که هر سال تروریسم رشد بیشتری نسبت به سال پیش دارد، البته اگر اذعان کنیم که تروریسم در اعماق تاریخ تا کنون جای داشته است، سخن گزافی نگفته ایم (خامه ای، ۱۳۸۱: ۵۰).

در آغاز سال ۲۰۰۰ بزه دیدگان جنایات تروریستی در بخش های شهر های مدرن بیشتر شدند. برای مثال، یک شهردار در کلمبیا ترور شد، یک قاضی در پاکستان کشته شد و در اسپانیا یک افسر نظامی در بمبی در ماشین اش به قتل رسید.

تروریسم علاوه بر ایراد آسیب های جانی به بزه دیدگان، خسارت های مالی و غیر مالی دیگری را نیز در پی داشته است. در بخش های خصوصی و دولتی این ضررها میلیون ها دلار تخمین زده شده اند. در کنار این مسائل باید اذعان نمود که کمتر جرایمی وجود دارد که مانند جنایات تروریستی بتوانند در زمانی کوتاه دارای چنین آثار مخرب و گسترده ای باشند. این خاصیت تروریسم است که به دنبال آسیب وارد نمودن به بیشترین تعداد در کمترین زمان است.

به هر حال، در طول سده ۷۰ تروریسم در شکل های تروریسم داخلی، تروریسم تجزیه طلب و تروریسم سیاسی، یکی از مشکلات عمده در اروپا را شکل داده و تا کنون ادامه داشته است. در این زمان، واکنش سیاست کیفری به عنوان مجموعه جهت گیری ها و راهکار های علمی مبارزه بر ضد پدیده مجرمانه و دانشی که اقدامات و تدابیری را برای سرکوبی پدیده مجرمانه، پیشگیری، حمایت از بزه دیدگان ارائه می دهد، مسئولیتش به سازگار نمودن پلیس و قوانین دادرسی کیفری با آن چه در عمل اتفاق می افتاد، محدود می گشت. از اینرو به خاطر تحت تأثیر قرار گرفتن جامعه از تروریسم، این سیاست های ضد تروریسم، هم قبل و هم بعد از اقدامات تروریستی تمهیداتی را در نظر می گرفتند. قبل از آن تلاش می شد مردم از نقش و ابزار های در اختیار خود برای پیشگیری از اقدامات تروریستی آگاه شوند. جنبه دیگر، تعیین اقداماتی است که بعد از رخ دادن حملات تروریستی و با سرعت بسیار و مدیریت زمان قابل اتخاذ است: به عبارت دیگر، چه تمهیداتی برای جلوگیری از اقدامات تروریستی آتی می توان اتخاذ کرد؟ ترس ناشی از این اقدامات را برای جلوگیری از واکنش های اشتباه چگونه می توان کنترل نمود؟ آیا مناطق خاص و یا وسایل حمل و نقل خاصی نیاز به نظارت و مراقبت فوری دارند یا خیر؟

در نتیجه، در اقدامات تروریستی، بزه دیدگان به عنوان گروهی که تعارض بین تروریست ها و دولت ها در آنها نمود پیدا می کرد و کسانی که قیمت واقعی تروریسم را پرداخته اند، به فراموشی سپرده می شدند. این درست در زمانی است که بزه دیدگان جنایات تروریستی، استحقاق یک همبستگی مشترک را برای کمک دارند؛ چون بیگناه می باشند و کسانی هستند که قیمت عدم توانایی برای مقابله و منع تروریسم را پرداخت نموده اند. به آن دلیل است که ما از خیلی از اقدامات تروریستی نجات پیدا کرده ایم، چون سوار قطار دیگری شده ایم، پرواز دیگری داشته ایم و یا در زمان انفجار در مکان دیگری بوده ایم.

۱- تعریف و گونه شناسی بزه دیدگان جنایات تروریستی

با توجه به این که برای شناخت هر امری، ضرورت ارائه تعریفی از آن را می طلبد در این قسمت ابتدا به ارائه تعریفی از بزه دیده و بزه دیدگان جنایات تروریستی پرداخته می شود که راهگشای بررسی گونه های این بزه دیدگان نیز خواهد بود و سپس به ارائه دسته بندی کلی از آن خواهیم پرداخت.

۱-۱- تعریف بزه دیدگان جنایات تروریستی

در حال حاضر، تعریفی از بزه دیدگان جنایات تروریستی به صورت جامع در دست نیست. می دانیم که بزه دیدگی همان قربانی شدن جرم به وسیله مجرم و اعمالی که قانوناً مجازاتی برای آنها تهیه و تدوین شده است، می باشد که معیار آن (بزه) قانون مجازات هر کشور است. این بزه دیدگی می تواند ناشی از جرایم خشونت آمیز، جرایم شخصی، جرایم توأم با حيله، جرایم سازمان یافته، جرایم یقه سفیدها، جرایم صنفی، جنسی سیاسی و جنایات تروریستی و ... باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴: ۱۲). مطابق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم، متحمل ضرر و زیان می گردد؛ علیهذا بزه دیده را می توان اینگونه نیز تعریف کرد: بزه دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادین خود دچار شده باشد (رایجان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۶). به عبارت بهتر، بزه دیده کسی است که مظلوم واقع شده و در نتیجه حق او بر مال، تمامیت جسمانی، بر آزادی و امثال اینها حسب نوع جرم ارتكابی علیه وی از اوستانده شده و یا در معرض تضییع قرار گرفته است. در این حالت، تحمل بزه برای فرد بزه دیده آثاری را در پی خواهد داشت. معمولاً بزه دیده با تحمل بزه، دچار عصبانیت، خشم، ناراحتی و گونه های مختلف پریشانی و اختلال روانی شده است (غلامی، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۷).

سازمان ملل در سال ۱۹۸۵ در اصول اساسی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، که از منابع بین المللی مهمی در رابطه با بزه دیدگان تروریسم محسوب

می‌گردد، بزه دیده را اینطور تعریف نمود: اشخاصی که به شکل جمعی و شخصی از خسارت‌ها رنج می‌برند و این صدمات، شامل جراحات بدنی و روانی و رنج کشیدن عاطفی، از دست دادن موقعیت اقتصادی و یا آسیب رسیدن به حقوق اساسی از طریق عملکردها و یا حذف مؤسسه‌هایی است که از لحاظ حقوق بشر به هنجار تشخیص داده می‌شود (رایجان اصلی، ۱۳۸۴: ۲۵). در گزارش‌های سازمان ملل نیز شخص در جایی بزه دیده محسوب می‌گردد که انسانی به صورت فردی و یا گروهی از مسائلی رنج می‌برد که شامل صدمات و خسارات بدنی، روحی و عاطفی و ضررهای اقتصادی و ناعادلانه بودن حقوق قانونی اش می‌باشد.^۱

در رابطه با خود بزه دیدگان تروریسم تا به حال تعریفی جامع و مانع ارایه نگشته است و آن به این دلیل است که اصولاً خود تروریسم - اعم از ملی و فراملی (بین‌المللی) آن که در دنیا فراگیر شده است - به دلایلی صرفاً سیاسی حتی دارای تعریفی در سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا نمی‌باشد و محتوای آن به صورت مشخصی مطرح نشده است.

تاکنون بیش از صدها تعریف مطرح شده است که در دنیا اجماعی همگانی بر پذیرش یکی از آنها موجود نیست. با وجود این، برخی از تعاریف مذکور مانند تعریفی که در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد و از سوی بسیاری از حقوقدانان، کامل به نظر می‌رسید، بنا به دلایلی حذف گردید.^۲ علاوه بر این، اقدامات تروریستی اقداماتی کور و حساب نشده هستند که شکل‌های گوناگونی دارند و این موضوع مطرح نمودن تعریف جامع از تروریسم و بزه دیدگان آن را مشکل ساخته است. در انتها نکته تأثیرگذار دیگر این است که در جایی که ما با میزان نامحدودی از حملات روبرو هستیم علاوه بر افرادی که در حوادث تروریستی حضور داشته‌اند با خیلی از دوستان،

۱. در این خصوص ر.ک: به سایت اطلاع‌رسانی این سازمان: www.unic-ir.org

۲. برای مطالعه بیشتری ر.ک: «ریشه‌های تروریسم»، اثر والتر رایش و «گفتمان حقوقی تروریسم» اثر علیرضا طیب.

آشنایان و شاهدان رویداد تروریستی روبروئیم که بزه دیدگان غیر مستقیم اعمال تروریستی می باشند؛ در این صورت، مطمئناً با حجم گسترده ایی از جرایم و بزه دیدگان روبرو خواهیم بود که داشتن تعریفی از بزه دیده تروریسم را سخت تر خواهد کرد.

۱-۲- گونه شناسی (تیپولوژی) بزه دیدگان جنایات تروریستی

با توجه به دشواری هایی که بزه دیدگان از جهت آثار بزه دیدگی یا دسترسی شان به عدالت با آن روبرو هستند، حمایت ویژه از گونه های خاصی از بزه دیدگان ضروری است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۹). بزه دیدگان را می توان براساس معیارهای مختلفی چون: شکل، قلمرو، سطح، درجه و آثار طبقه بندی کرد. در این قسمت به ارائه دسته بندی کلی از بزه دیدگان جنایات تروریستی می پردازیم. بزه دیدگان تروریسم را همانند سایر بزه دیدگان می توان در دسته های زیر بررسی نمود:

۱-۲-۱- بزه دیدگان مستقیم و غیر مستقیم

تروریسم، از دو طریق می تواند جوامع را تحت تأثیر قرار دهد: نخست آن که آثار سریع اقدامات تروریستی که ترجیحاً آنها را خسارات مستقیم تروریسم می نامیم؛ مثل از دست دادن حیات و یا خسارات مادی که در اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا، ۲۰۰۳ مادرید و بمب گذاری های سال ۲۰۰۵ لندن و حمله تروریستی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۶ روی داد، که در این حملات شرورانه تروریستی، افراد بسیاری کشته، مجروح و یا معلول، و عده ای بهت زده شده یا از آزادی محروم می گردند.

در مقابل این خسارات، خسارت های غیر مستقیم و اجتماعی تروریسم قرار می گیرند. این آثار توسط تروریست ها مشخص نمی گردد، بلکه در ذهن شهروندان و فرآیند تصمیم گیری آنها تأثیر خواهند داشت؛ به عنوان مثال، در واقعه ۱۱ سپتامبر هزینه های غیر مستقیم اجتماعی چون ضررهای مالی هنگفت صنعت هواپیما نوردی و هواپیمایی به دلیل تشویش و نگرانی مردم از ریسک پرواز نمودن، خسارات و صدمات

بزرگی را به صنعت توریسم وارد ساخت. در رابطه با عنوان قربانیان مستقیم و غیر مستقیم تروریسم می توان به تقسیم بندی دیگری که در جرم شناسی بیشتر با این عنوان صورت می پذیرد، اشاره نمود. بزه دیدگان مستقیم کسانی هستند که به طور مستقیم خود بزه را تجربه نموده اند؛ آنها کشته شده اند و یا از نظر بدنی و روانی مورد بهره برداری قرار گرفته اند، بازداشت شده اند، و یا مثلاً بین آنها تبعیضی صورت گرفته است. لذا آنها خود مستقیماً از جرم متضرر گردیده اند. در بزه دیدگی مستقیم، فاصله میان بزه و بزه دیده چنان نزدیک است که بی درنگ به بزه دیدگی شخص می انجامد (استول و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۰۰).

بزه دیدگان غیر مستقیم کسانی هستند که به تبع بزه دیده مستقیم، جرم متوجه آنها شده است. خانواده بی واسطه (درجه اول) یا وابستگان بزه دیده و یا فردی که در جریان کمک به بزه دیدگان یا در جریان پیشگیری از بزه دچار آسیب و مشکل شده، این دسته را تشکیل می دهند. لذا آنها از طریق به بزه دیده مستقیم مرتبط شده اند و ممکن است قربانی غیر مستقیم عضوی از اعضای خانواده قربانی مستقیم باشد که مانع همکاری قربانی و مانع از شدت بزه دیدگی بزه دیده مستقیم شده است.

۱-۲-۲- بزه دیده فردی و جمعی

در زمینه تروریسم، بزه دیده فردی و جمعی نقش مهمی را ایفا می کند؛ این امر در رابطه با مسأله تأثیر گذاری هر چه بیشتر اقدامات تروریستی مطرح می گردد. وقتی شخص معینی متحمل صدمات و آسیب هایی شده باشد که ما به لحاظ قانون کیفری آن را بزه می شناسیم، با بزه دیده فردی رو برو هستیم.

یکی از نکات کلیدی در تعریف بزه دیدگان همین معیار جمعی و فردی بودن آنهاست. در پاراگراف (۱) و (۱۸) اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، به فردی و گروهی بودن بزه دیدگی اشاره می کند. یکی از مهم ترین پیامدهای تمایز بین بزه دیدگان فردی و جمعی اجرای اصل مهم منع تبعیض خواهد بود که بر اساس آن با بزه دیدگان، خواه فردی و گروهی باید بدون هیچ تمایزی

از جهت رنگ، ملیت، مذهب، جنس، سن، خاستگاه قومی و اجتماعی، و باور سیاسی یا هر باور دیگر رفتار کرد (رایجان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

«**بزه دیدگان فردی**»: افراد مشخصی هستند که بزه دیدگی را تجربه نموده‌اند. در رابطه با اقدامات تروریستی، گاه این اقدامات برای ترور افراد معین چون سران کشور و یا نمایندگان یک ایدئولوژیک خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. سران دولت‌ها، کارمندان سازمان ملل و مأموران دیپلماتیک همیشه از بزه دیدگان فردی دلخواه تروریسم بین‌الملل بوده‌اند. این نوع از اقدامات تروریستی نه تنها ایمنی این افراد را به خطر می‌اندازد بلکه در روابط بین‌المللی کشورها شکاف ایجاد می‌کنند. بد نیست که بدانیم جنگ جهانی دوم و در طی آن مرگ هزاران انسان بی‌گناه اصولاً در اثر ترور و یلهم دوم ولیعهد لهستان شروع شد (اتنف، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

«**بزه دیدگان جمعی**»: گاه بزه دیدگان اقدامات تروریستی به صورت جمعی هستند؛ این در جایی است که بزه در میان جمعی خاص اعمال شده است که از نظر یک ویژگی مشترک، در یک دسته قرار می‌گیرند؛ مثلاً جرایم تروریستی که علیه یک قوم و یا یک گروه ایدئولوژیکی خاص و یا گروهی مذهبی روی می‌دهد. در این موارد، گروهی انبوه از افراد مورد تعرض قرار گرفته‌اند. تروریست‌ها اهمیت زیادی برای مفهوم بزه دیده جمعی و گروهی قائل هستند. در این خصوص می‌توان به اقلیت‌های قومی، سیاسی و یا مذهبی به عنوان جمعیت‌های آماج تروریسم دولتی اشاره نمود که قلع و قمع بزه دیدگان به طور منظم سازمان دهی می‌شود. به نظر می‌رسد که جرم ژنوساید یا نسل‌کشی در اینجا به این موارد بسیار نزدیک است. از این موضوع در جرم‌شناسی به بزه دیده‌شناسی اقلیت‌ها نیز یاد شده است؛ این در جایی است که گروهی از مردم جامعه که از جهاتی مانند فرهنگ، نژاد، و منش سیاسی از عموم مردم که اکثریت آن جامعه را تشکیل می‌دهند متمایز می‌گردند موضوع بزه قرار می‌گیرند. بر همین

اساس، آنان را اقلیت های دینی یا گروهی مذهبی می نامند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴: ۱۱۱).

۲- حمایت از بزه دیدگان جنایات تروریستی

برای مدت ها ممکن بود قربانیان به عنوان فراموش شدگان اعمال تروریستی باقی بمانند. توجه رسانه ها بیشتر روی کسانی بود که اعمال تروریستی را انجام داده اند؛ حتی نیت و انگیزه ای که باعث این اقدام شده نیز فراموش شده بود و کلاً به سهم خود تمایل به سرکوب تروریسم، به ویژه تروریسم بین المللی داشتند؛ از اینرو، نقش بزه دیدگان جنایات تروریستی خیلی کم رنگ بود.

بعد از شکل گیری و ایجاد دانش «بزه دیده شناسی»^۱ موقعیت کلی بزه دیدگان و بررسی روابط آنها با مجرمان مورد توجه قرار گرفت. سیاست کیفری به منظور پاسخ دادن کار آمد به بزه، با بازوان تقنینی، قضایی و اجرایی خود و جامعه با مشارکت دادن ظرفیت های خود دو ضلع یک الگوی مطلوب را تشکیل دادند که به حمایت بزه دیده پرداخت. چندگانگی لایه های سیاست کیفری بزه دیده محور، به ترسیم یک الگوی چندگانه حمایتی انجامید که سنگ بنای آن را سیاست کیفری تقنینی از رهگذر تصویب قوانین و مقرراتی ویژه برای حمایت از بزه دیدگان تشکیل می دهد. نظریه ها و رویه های اجرای عدالت ترمیمی نیز به دنبال تلاش در زمینه هایی می باشد که نیازهای بزه دیدگان را جدی گرفته و به آنها شکل بخشیده است (زهر، ۱۳۸۳: ۱۸)؛ لذا در این قسمت به حمایت از بزه دیدگان جنایات تروریستی در قانونگذاری کشورها و مراجع بین المللی و همچنین حمایت کیفری از بزه دیدگان خواهیم پرداخت.

۲-۱- حمایت از بزه دیدگان جنایات تروریستی در قانونگذاری کشورها

و مراجع بین المللی

اهمیت جایگاه حمایت از بزه دیدگان جنایات تروریستی تا جایی است که جبران خسارت از آنان با روشی که ما با خسارت زدایی جرایم عمومی سراغ داریم، نامناسب

شناخته شده و به عنوان راه حلی که تأثیر چندانی نداشته، مطرح گشته است؛ لذا بزه دیدگان جنایات تروریستی و دسترسی آنها به عدالت، از دغدغه های اصلی در این زمینه خواهد بود. اعاده وضعیّت بزه دیدگان و ترمیم کامل حسّ ناتوانی ناشی از بزه دیدگی به پیش از تجربه بزه دیدگی شاید محال باشد، ولی با لحاظ داشتن رفتاری منصفانه با بزه دیدگان و اهمیّت دادن به نظراتشان، تسهیل اقامه دعوا و رفتار صحیح در دادگستری ها و مطمئناً تسریع جبران خسارت می توان تا حدودی گامی در جهت ترمیم این حسّ برداشت.

به هر صورت بزه دیدگان شایسته بهره مندی از حقوقی در فرآیند کیفری اند تا بتوانند بهتر در جهت دسترسی به عدالت و جبران آسیب ها و زیان دیدگی های خود اقدام کنند. در کشورهای مدرن، معاهدات مربوط به حقوق بشر و در کنار آنها تحوّل اندیشه های راجع به حقوق بشر به تدریج این ایده را وارد حقوق بشر دوستانه نموده که قربانیان باید از حقّ فردی بر جبران خسارت ناشی از صدمه ای که به آنها وارد شده است بر خودار باشند؛ چنان که میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۹ دسامبر سال ۱۹۶۶، کنوانسیون اروپای حقوق بشر مصوب ۱۴ نوامبر سال ۱۹۵۰ و دیگر کنوانسیون های منطقه ایی حقّ شکایت و درخواست غرامت را برای قربانیانی که حقوق اساسی آنها نقض شده را به رسمیت می شناسند. در کنوانسیون های خاص مانند کنوانسیون منع شکنجه نیز چنین موضوعی عنوان گشته و حتّی در این کنوانسیون، صندوقی برای حمایت از قربانیان شکنجه در نظر گرفته شده است. با تصویب اعلامیه اساسی عدالت مربوط به بزه دیدگان جرم و بزه دیدگان سوء استفاده از قدرت در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ در مجمع عمومی سازمان ملل، گام جدیدی به سوی شناسایی حقوق بزه دیدگان در سطح بین المللی برداشته شد (والین، ۱۳۸۵: ۶۰). این اعلامیه، تصویری کلی از حقوق بزه دیدگان ارائه می نماید و در آن حقّ شکایت، حقّ داشتن کرامت انسانی و اعاده حیثیّت،

استرداد اموال و دریافت غرامت، مساعدت پزشکی روانشناسانه و اجتماعی برای بزه دیدگان شناسایی شده است.

در سال ۲۰۰۳، شورای اروپا کار بی سابقه ای در رابطه با پرداخت غرامت به قربانیان تروریسم به تصویب رساند. در این کنفرانس، وزرای اروپا در کمیته وزرا درخواست کردند که قوانینی در اروپا برای بهبود زندگی بزه دیدگان تروریسم و خانواده های آنها تشریح گردد. در سال ۲۰۰۵ همین مرجع، راهنمای قانون حمایت از بزه دیدگان تروریسم را به آن اضافه نمود که شامل این موضوع است که بزه دیدگان مستقیم و غیر مستقیم که در جریان اقدامات تروریستی قرار گرفته اند باید از حمایت های داخلی و بین المللی بهره مند گردند.

ماده (۱) این قانون مقرر کرده است: بزه دیدگان تروریسم باید بابت خساراتی که از اقدامات تروریستی متحمل شده اند جبران خسارتی منصفانه، متناسب و به موقع، بابت اعمالی که آنها را رنج داده دریافت نمایند. حتی اضافه می نماید در صورتی که تروریست ها و مراجع و حامیان مالی آنها در دسترس نباشند، دولتی که در سرزمین آن اقدامات تروریستی روی داده است باید به پروسه جبران خسارت فیزیکی و روانی بزه دیدگان تروریسم بدون اعتنا به ملیت آنها پردازد. در سند مذکور، این امر مورد شناسایی قرار گرفت که با توجه به شرایط بزه دیدگان جنایات تروریستی، نیاز به حمایت های ملی و بین المللی را به خود می طلبد. این اصول راهنما، دولت ها را به سوی ایجاد تعهد برای اندازه گیری نیاز به کمک و حمایت از حقوق اساسی بزه دیدگان جنایات تروریستی، خصوصاً حق حیات ایشان که خشونت تروریسم را تجربه نموده اند می خواند و همچنین کشورها را به رجوع به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای رعایت حقوق انسانی آن - که در آن وظیفه ایجاد حمایت های مؤثر از حیات افراد شده است - دعوت می نماید. در این سند از دولت ها خواسته شده، نسبت به بزه دیدگان جنایات تروریستی که در کشورشان مورد آسیب های فیزیکی و روانی قرار گرفته اند، اطمینان

حاصل نمایند که از کلیه خدمات و حمایت‌هایی که در این اصول راهنما ذکر شده، بهرمنند گردیده اند (kaganoo stern, 2002: 20).

اصول راهنمای شورای اروپا نیز در مورد حقوق بشر و مبارزه علیه تروریسم در سال ۲۰۰۲ در بخش (f) دولت‌ها را به حمایت از مردمشان در برابر اقدامات تروریستی احتمالی ملزم نموده است. در بخش (i) این سند، دولت‌ها متعهد می‌شوند در رابطه با اقدامات تروریستی از حقوق اساسی هر انسانی، خصوصاً حق حیات آنها حمایت نمایند. این اصول در زمانی که جبران خسارت به طور کامل در دسترس نباشد مثلاً از طریق مصادره و ضبط اموال تروریست‌ها و یا سازمان‌ها و حامیان تروریسم، دولت‌ها را به ادامه روند جبران خسارت بزه دیدگان تروریسم که در سرزمین آن کشور آسیب دیده اند - البته تا جایی که امکان دارد - دعوت می‌نماید. این اصول، دولت‌ها را به ایجاد شرایطی مساوی برای بزه دیدگان جنایات تروریستی در برخورداری از جبران خسارت می‌سازد.

اتحادیه اروپا نیز در اولویّت‌های خود به اصولی چون آماده بودن روح جمعی برای مدیریت و به حداقل رساندن پیامدهای یک حمله تروریستی پرداخته است که این امر می‌تواند از طریق بهبود ظرفیّت‌ها برای حلّ پیامدها، هماهنگی واکنش‌ها و رفع نیاز بزه دیدگان صورت بگیرد. از سوی دیگر، به اشتراک گذاری بهترین تجارب اجرایی و توسعه رویکردهایی به منظور کمک به بزه دیدگان جنایات تروریستی و خانواده‌های آنان در راهبردهای اتحادیه اروپا برای مقابله با تروریسم گنجانده شده است.

از دیگر اسناد مهمّ در رابطه با موقعیّت بزه دیدگان جنایات تروریستی می‌توان به اصول کلی اروپایی برای بزه دیدگان جرایم در دادرسی سال ۲۰۰۱ اشاره نمود که کشور های اروپایی عضو را به طور جدّی به رعایت حقوق بزه دیدگان دعوت نموده است.

کشور فرانسه نسبت به سایر کشورهای دنیا در کنار ایتالیا، از پیشگامان قانونگذاری حمایتی برای بزه دیدگان جرایم تروریستی می باشد. در فرانسه طبق قانون ترمیم خسارات قربانیان جرایم خشونت بار در سال ۱۹۷۷ و متعاقب آن صندوق تضمین خسارات ناشی از اعمال تروریستی در سال ۱۹۸۶ و ایجاد صندوق تضمین اعمال تروریستی و سایر جرایم در سال ۱۹۹۰ در قانون آئین دادرسی کیفری ماده ۷۰۶، صلاحیت کمیسیون های این قوانین احصاء شده است. این کمیسیون همچون یک دادگاه مدنی است که در معیت دادگاه شهرستان عمل می کند. این کمیسیون می تواند در زمینه جرایم علیه اموال و اشخاص تا سقفی که بخواهد، جبران خسارت نماید.

بزه دیده گان می توانند تا سه سال بعد از وقوع جرم، تقاضای خود را به این کمیسیون اعطا نمایند. بزه دیده می تواند همچنین تا یک سال پس از ارتکاب جرم در صورتی که دادگاه کیفری حکم به جبران خسارت وی نداده است به این کمیسیون مراجعه نماید. بزه دیدگان جنایات تروریستی می توانند به محض ارتکاب جرم به این کمیسیون ها مراجعه نموده و مبلغی را به صورت علی الحساب دریافت کنند؛ چه مباشر عمل شناسایی شده باشد و چه نشده باشد؛ چراکه این کمیسیون ها در خصوص برخی جرایم مثل قتل و ضرب و جرح، بلافاصله مبلغی را به منظور کمک فوری به بزه دیدگان پرداخته و در رابطه با رقم نهایی بعداً تصمیم می گیرد. البته در صورتی که بزه کار شناسایی گردد، کمیسیون می تواند برای باز پرداخت مبالغی که به عنوان خسارت پرداخته است، علیه بزه کار اقامه دعوا نماید؛ لذا اگر بخواهیم این پروسه را در فرانسه بررسی کنیم، می گوئیم به محض این که حملات تروریستی صورت می گیرد، دادستان کل یا مقام کنسولی یا سیاستمدار مربوطه باید بدون تأخیر و بلافاصله پس از اقدام تروریستی، به صندوق تضمین مالی اطلاع دهد و سپس قربانیان را شناسایی کرده و جبران خسارت کنند. از طرفی، هر کس گمان می کند که مورد

حمله تروریستی قرار گرفته و آسیب دیده است می تواند مستقیماً به صندوق تأمین مالی مراجعه کرده و درخواست کمک و جبران خسارت نماید.

روش جبران خسارت باید طبق اصول و سریع انجام شود؛ در واقع، این رسیدگی با توجه به حساسیت نیاز، به بزه دیدگان جرایم تروریستی فوری است. در واقع، صندوق تضمین مالی موظف است در عرض یک ماه پس از درخواست قربانی، خسارت را پرداخت کرده و حقوق قربانی را تأمین کند. آخرین پرداخت خسارت در عرض سه ماه و پس از اثبات آسیب و خسارت انجام می گیرد.

این پرداخت باید با توافق قربانی و صندوق تضمین مالی باشد (بند R,8-224 قانون بیمه)؛ در صورت عدم پرداخت، کل مبلغ پرداخت نشده، به طور خودکار در دو ماه اول به اندازه نصف مبلغ افزایش می یابد و پس از آن اگر خسارت پرداخت نشود دو برابر می شود. ممکن است جبران خسارت کاهش یابد و یا رد شود که این امر در جایی است که بزه دیده در جریان اقدامات تروریستی، مقصر شناخته شود. این جبران خسارت به طور ویژه، هزینه های پزشکی ناتوانی موقت یا دائم، آسیب شغلی، هزینه امرار معاش، آسیب جسمی، هزینه کمک کار، آسیب به زیبایی و ضررهای مالی حاصل از حملات تروریستی را که می تواند روی قربانیان تأثیر جبران ناپذیری بگذارد را به عهده می گیرند.

۲-۱-۲- ایتالیا

علاوه بر فرانسه می توان به کشور ایتالیا نیز که در این زمینه دست به تلاش های کم نظیری زده است اشاره نمود. این کشور قوانینی را در زمینه حمایت و جبران خسارت از بزه دیدگان جرایم تروریستی مقرر نموده است.

در قانون سال ۱۹۹۰ این کشور، یک برنامه خاص برای حمایت و جبران خسارت از بزه دیدگان تروریسم و جرایم سازمان یافته ترتیب داد. گرچه در سده دهه ۷۰ و ۸۰ نیز ترتیباتی مقرر شده بود که این قانون جایگزین آن شده است. در سال ۱۹۹۸

تا ۲۰۰۰ مقرراتی معرفی و به پوشش خسارات فردی بزه دیدگانی که جرم، منجر به ناتوانایی و از کار افتادگی آنها حداقل تا ۲۵ درصد و همین طور خانواده آنها شده بود، می پرداخت. نهایتاً در سال ۲۰۰۴ برنامه های دولتی، جبران خسارت با توجه خاص به بزه دیدگان تروریسم و قوانین ترور در این کشور تصویب شد.

این قانون در هر درجه از ناتوانایی، فرد را شایسته دریافت مقرری بر اساس اصول مقرری سالیانه ۲۰۰۰ یورو و برای هر یک درصد از کار افتادگی مور نظر گرفته است. بزه دیدگان می توانند تا سقف حداکثر دویست هزار یورو در سال دریافت کنند. در صورتی که از کار افتادگی آنها ۸۰ درصد یا بالاتر باشد و یا بزه دیده فوت نماید نیز این مقرری بدون هیچگونه بحثی و کاهشی به بازماندگان داده می شود. از سوی دیگر، وابستگان بزه دیده نیز خودشان یارانه فردی جدایی حدوداً ۱۰۳۳ یورو در ماه دریافت می دارند که در صورت فوت بزه دیده، این مبلغ تا دو سال بعد نیز به بازماندگان و هر کسی که در خانه بزه دیده زندگی می کرده است، پرداخت و سپس قطع می گردد. باید اضافه نمود که برای هرچه حمایت بیشتر بزه دیدگان، مالیات نیز به این مبلغ تعلق نمی گیرد؛ چراکه طبق ممیز مالیات بر درآمد ها، این مبلغ درآمد محاسبه نمی گردد. از سوی دیگر، طبق همین اصول بزه دیدگان تروریسم و خانواده هایشان از پرداخت هر نوع مالیات و پر دازه معاف می باشند. این پر دازنده ها شامل همه نوع مالیات، مانند مالیات خدمات اداری مثل مالیات پست و سایر پر دازه ها مانند هزینه های دادگاه های مدنی و جزایی و اداری در رابطه با موضوع بزه دیدگی آنها می گردد. از سوی دیگر، هزینه های پزشکی بزه دیده اعم از مراقبت های پزشکی و حتی روانشناسانه و هر نوع ابزاری که در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته باشند، کاملاً رایگان اند. این امر که آیا افراد شامل جبران خسارت می گردند و یا خیر؟ توسط یک کمیسیون پزشکی و یک کمیسیون جبران خسارات صورت می گیرد که نظر قطعی آنها توسط وزارت داخلی ایتالیا صادر می گردد.

صدور این رأی نباید بیشتر از ۴ ماه به طول بیانجامد. افراد دارای ملیت های خارجی نیز در صورتی که بزه دیدگی آنها در سرزمین ایتالیا رخ داده باشد نیز می توانند تقاضای جبران خسارت نمایند. از طرف دیگر، هر ایتالیایی که در خارج از این کشور، بزه دیده تروریسم و یا جرایم سازمان یافته گشته است می تواند برای جبران خسارت مراجعه نماید. این قانونگذاری توسعه یافته برای بزه دیدگان جرایم تروریستی در قانون سال ۲۰۰۴ با عطف به ماسبق شدن، برای هر حادثه تروریستی خارجی که بعد از یک ژانویه سال ۲۰۰۳ رخ داده باشد، رعایت می گردد. اما عطف به ماسبق وقایع تروریستی در خود ایتالیا از سال ۱۹۶۱ به بعد را شامل می گردد و هر پرونده ای که سابق بر این زمان بوده است می تواند مراحل قانونی خود را برای رسیدگی طی نماید.

۱-۲-۳- ایران

در ایران ماده ۳ لایحه جبران دولتی خسارت بزه دیدگان (برای جبران خسارت بزه دیدگان) صندوق تضمین خسارت بزه دیدگان را پیش بینی کرده است. ماده ۲ این لایحه می گوید: «در جرایم علیه امنیت ملی کشور از قبیل جرایم تروریستی و بمب گذاری ها خسارت وارده به افراد حقیقی و حقوقی با رعایت شرایط مقرر در این قانون پرداخت می شود». در سال ۱۳۷۵ وزارت کشور در بخشنامه ای با عنوان (نحوه تشخیص و تخصیص اعتبار) به پرداخت خسارت دولتی به بزه دیدگان اشاره داشته است. در ماده یک این بخشنامه در کنار پرداخت خسارت به سایر بزه دیدگان، به پرداخت خسارت وارده به مردم و اشخاص حقوقی غیر دولتی که در اثر بمب گذاری و گروگانگیری ها و اقدامات ضد انقلاب و اشرار، آسیب دیده اند اشاره می شود. در بند ز این بخشنامه، کمک به خانواده هایی که بستگان آنها در اثر اقدامات اشرار کشته می شوند نیز پیش بینی شده است. با وجود اینها، کشور ایران جبران خسارت بزه دیدگان جرایم تروریستی را خصوصاً از طریق جبران دولتی خسارت

نپذیرفته است. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۳ در بند ۴ ماده ۱۳۰، قوه قضائیه موظف شده است که لایحه ای را به عنوان (حمایت از بزه دیدگان اجتماعی) تهیه کند. قوه قضائیه نیز در حال بررسی و تدوین این لایحه هست که با توجه به این که موضوع محوری آن بزه دیدگان و حمایت از ایشان است، مطمئناً سیاستی در قبال آنها پیش بینی خواهد شد.

۲-۲- حمایت کیفری از بزه دیدگان جنایات تروریستی

حمایت کیفری، از رهگذر ساز و کاری به نام جرم انگاری، متداول ترین و سنتی ترین گونه حمایت از بزه دیدگان در چارچوب سیاست کیفری تقنینی، شناخته می شود که در ساده ترین شکل، نیازمند پیش بینی یک ضمانت اجرایی مشخص و معمولاً کیفری است. به دیگر سخن، می توان گفت که قوانین کیفری در کنار نقش پیشگیرانه ای که در چارچوب بازدارندگی فردی و جمعی دارند، نقش حمایتی از رهگذر پیشگیری از بزه دیدگی را نیز به دوش می کشند.

وانگهی، گاهی ممکن است با تشدید ضمانت اجراها به این حمایت کیفری جامه عمل بهتری پوشانده شود. این امر روالی است که در قانونگذاری های جدید بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر در آمریکا و اروپا در پیش گرفته شده و در این موارد، قانونگذار با تأکید بر شخصیت بزه دیده، حمایت کیفری از او را دنبال می کند. در اینجا، آسیب پذیری برخی از اشخاص مانند زنان و کودکان به دلایلی همچون جنس و سن، می تواند آنان را پیش از دیگران، شایسته توجه و حمایت ویژه سازد. در اینجا حمایت کیفری با جرم انگاری ویژه، بر پایه وضعیت آسیب شناسانه بزه دیدگان خاص (همچون زنان، کودکان، سالمندان و ناتوانان بزه دیده) به یک حمایت افتراقی می انجامد. همچنان که ممکن است قانونگذار در کنار ضمانت اجرای کیفری با پیش بینی ساز و کارها با ضمانت اجراهای دیگری - برای نمونه، از نوع مدنی، اداری، انضباطی و مانند آن - به حمایت از بزه دیده جامه عمل بپوشاند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۸۲).

در رابطه با اهمیت مبارزه با تروریسم، از سال ۱۹۳۷ جامعه ملل تلاش هایی را برای ایجاد دادگاهی بین المللی برای برخورد با تروریسم در نظر گرفت که گرچه هرگز به موقع اجرا در نیامد ولی از اولین گروه تلاش ها در زمینه مبارزه با تروریسم بود. در ادامه این روند، سازمان ملل دو رویکرد در رابطه با تروریسم ارائه داد: رویکرد دیپلماتیک و نظامی. سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ در پی یک جنگ جهانی خانمان سوز با هدف پیشگیری از جنگ های خانمان سوز گسترده ایی چون جنگ جهانی اول و دوم که دنیا تازه پشت سر نهاده بود و ایجاد صلح تأسیس گشت. امروزه صلح و امنیت صرفاً به معنای جنگ و معارضة نظامی نیست؛ در این میان، فقر، گرسنگی، محیط زیست و همین خطر جهانی تروریسم مطرح گشته اند. سازمان ملل هرچند تلاش های گسترده ای را در رابطه با تروریسم انجام داده است اما واقعه ۱۱ سپتامبر نشان داد که تلاش های دیپلماتیک گذشته و ارگان های منطقه ای هرچند مفید بوده، اما کافی نیستند. در واقع، حقوق کیفری هنوز در رابطه با تروریسم، راه حلّ کاملی ارایه نداده است. ما احتیاج به سرفصل های جدید و منطقی در رابطه با جنایات تروریستی داریم؛ سرفصل هایی که حتی حامیان جنایات تروریستی را در بر بگیرد. در اینجا این قوانین هستند که نقش مهمی در سیاست های ضد تروریسم بازی خواهند نمود. سیاست هایی که نه فقط به واکنش های ضد تروریستی اهمیت دهد بلکه سیاستی که بازتاب کاملی از مسئولیت فردی، توقیف های قانونی، مجازات های معین و به طور کلی، دارای فرآیندی باشد که از نظر روند قانونی، خللی بر آن وارد نباشد.

۲-۱- کیفر و جلوگیری از تروریسم

سازمان های بین المللی و مجالس قانونگذاری داخلی در رابطه با تروریسم قوانینی را به تصویب رسانده و در پی به کیفر رساندن و جلوگیری از تروریسم بوده اند، چراکه تروریسم در همه کشورها یک موضوع امنیتی مهم بوده و این امر با توجه به بُعد بین المللی آن اجتناب ناپذیر شده است. از سوی دیگر، مفهوم تروریسم با قربانی گره خورده

و انتخاب تصادفی یا از روی هدف غیر نظامیان، یکی از ویژگی ها و معیارهای اقدامات تروریستی بوده است؛ چراکه هدف تروریسم، ایجاد ترس و وحشت در قربانی است. این دو ویژگی منتهی به جرم انگاری تروریسم و یا حداقل مضامین آن در اکثر کشورهای دنیا شده است.

قانون پاتریت در آمریکا در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۱، قانون ضد تروریسم آمریکا در سال ۲۰۰۱ که در سال ۲۰۰۶ اصلاح شد، قانون شماره ۸۳ مجارستان در سال ۲۰۰۱ و یا قانون ۲۹ اکتبر ۲۰۰۱ در ژاپن و قانون ضد تروریست ۲۰۰۲ دانمارک برای حمایت کنندگان مالی تروریسم، از جمله قوانینی هستند که در رابطه با تروریسم پیش بینی شده اند. سازمان های بین المللی نیز از این قافله عقب نمانده اند و در مجمع عمومی سازمان ملل، کمیته هایی با هدف مبارزه با تروریسم تشکیل شده است.

تاکنون بیش از ۴۵ قطعنامه به طور مستقیم توسط مجمع عمومی در خصوص جلوگیری از تروریسم صادر شده است. همچنین باید گزارش های دبیر کل سازمان ملل را اضافه نمود که تا به حال، حدود ۴۳ گزارش تهیه شده است. سازمان ملل با ۱۲ کنوانسیون، در زمینه مبارزه با تروریسم تا حدودی دست به تعیین مصادیق جنایات تروریستی زده است. این کنوانسیون ها دارای نقش بسیار مؤثری در تعیین مصادیق اقدامات تروریستی و مبانی حقوقی برخورد با تروریسم بوده اند. این کنوانسیون ها با موضوعاتی مانند جلوگیری از جنایت علیه افراد بین المللی مانند دیپلمات ها، اقدام علیه گروگان گیری، جلوگیری از بمب گذاری، نابودی منابع مالی تروریسم، جلوگیری از تروریسم هسته ای، همکاری بین المللی و پشتیبانی فنی در اجرای کنوانسیون ها و پروتکل های مرتبط با تروریسم در چارچوب مسائل مرتبط با مواد مخدر، همکاری بین المللی و پشتیبانی فنی در اجرای کنوانسیون ها و پروتکل های مرتبط با تروریسم در چارچوب فعالیت های مرکز جلوگیری از جرایم بین المللی به تصویب رسیده اند.

در بسیاری از این کنوانسیون ها، دولت ها ملزم به پیش بینی کیفی های متناسب با طبیعت جنایات تروریستی شده اند. برای نمونه، ماده (۲) کنوانسیون جلوگیری از

تروریسم هسته ای در سال ۲۰۰۵ دولت ها را ملزم به قانونگذاری در زمینه به کیفر رساندن مرتکبین این نوع از تروریسم نموده است. در این کنوانسیون، تهدید و شروع به ارتکاب این جرایم و همین طور شرکت و معاونت، جرم انگاری شده و از دولت ها دعوت شده است که به همکاری با هم بپردازند تا از اقدامات تروریستی پیشگیری نمایند؛ از اینرو، در این کنوانسیون مجرمین باید در همه کشورهای عضو، استرداد شده و یا تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند.

در اکثریت این کنوانسیون ها و قراردادهای بین المللی که در رابطه با تروریسم بوده اند استرداد و محاکمه تروریست ها به نحوی گنجانده شده است. در قضیه لاکربی نیز هم نقض قاعده حمایت از تبعه، و هم نقض قاعده دادرسی حافظ نظم عمومی داخلی را داشتیم. اینجا تروریسم دولت ها را مجبور به پس دادن تبعه خود می نماید. از همه مهم تر در این تحولات، جانشین شدن امارات مجرمت به جای اصل برائت است که به کلی قواعد حقوقی را در هم می پاشد.

یکی از راه های مبارزه با تروریسم، مبارزه با تأمین مالی تروریسم عنوان شده است؛ لذا پیگیری منابع مالی تروریسم و به کیفر رساندن تأمین کنندگان آن، از حمایت هایی است که می تواند لحاظ گردد. به صورت جدی اقداماتی در این زمینه در سال ۱۹۹۹ با کنوانسیون بین المللی مبارزه با منابع مالی تروریسم در سازمان ملل صورت گرفته است. این کنوانسیون، در صورتی که فردی به هر وسیله - مستقیماً و یا غیر مستقیم - به صورت غیر قانونی و از روی عمد، بودجه ای را فراهم کرده و این بودجه، به طور مستقیم و یا به صورت دانش در تمام یا قسمتی از اقدامات و حملات تروریستی به مصرف برسد، به عنوان تروریسم، جرم انگاری می نماید.

مطابق ماده ۲ این کنوانسیون، هر شخصی که به هر وسیله ای مستقیم یا غیر مستقیم، خلاف قانون و عامدانه، منابع مالی ای را تهیه و گرد آوری نماید که تمام یا بخشی از آن صرف جرایمی که در کنوانسیون های جلوگیری از تصرف غیر قانونی هواپیما،

کنوانسیون جلوگیری از اقدامات غیر قانونی علیه امنیت هوانوردی غیر نظامی، کنوانسیون به کیفر رساندن و جلوگیری از جرایم علیه افراد دارای مصونیت بین المللی نظیر دیپلمات ها، کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته ای، پروتکل جلوگیری از اقدامات غیر قانونی خشونت آمیز در فرودگاه های بین المللی غیر نظامی، کنوانسیون جلوگیری از اقدامات غیر قانونی علیه امنیت کشتیرانی، پروتکل جلوگیری از اقدامات غیر قانونی علیه امنیت سکو های ثابت فلات قاره ای، کنوانسیون بین المللی جلوگیری از بمب گذاری های تروریستی گردد، مجرم شناخته می شود.

در ماده ۱۸ بخش ۲ این کنوانسیون مقرر شده است که کشورهای عضو، اقدامات لازم مربوط به کشف یا نظارت بر نقل و انتقالات فیزیکی برون مرزی وجه نقد و بعضی اسناد در وجه حامل را مورد نظر قرار دهند. در بخش ۳ از ماده ۱۸ نیز موارد مشابهی در مورد پیشگیری از تأمین مالی تروریسم لحاظ شده است. شورای امنیت سازمان ملل نیز در این زمینه فعالیت هایی را داشته است. قطعنامه ۱۳۷۳ در سال ۲۰۰۱ نیز برای پیشگیری از تأمین مالی تروریسم و مسدود نمودن دارایی تروریست ها و به طور کلی حامیان تروریسم در نظر گرفته شده است. این قطعنامه در برخورد با تروریسم، حتی قاعده حمایت از اتباع دولت ها را نقض می نماید. قطعنامه ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت نیز بعد از ۱۱ سپتامبر آورده است که دولت ها باید در زمینه تعقیب، تحقیق، استرداد و یا محاکمه تروریست ها، یک الزام بین المللی داشته باشند.

۲-۲-۲- افزایش کیفر و مبارزه با تروریسم

برای مبارزه با تروریسم، کشورها قوانین شدیدی را وضع کرده اند که بعضی آنها را قوانین سخت می نامند. این قوانین، قدرت بازداشت، تفحص و دستگیری گسترده ای را ارائه می دهند که شامل نوعی توانایی کنترل افراد است. این نوع قانونگذاری، یک تحوّل بزرگ در زمینه نحوه عمل بین المللی بود که فقط در جریان مبارزه با تروریسم رخ داد. به طور کلی می توان گفت تروریسم باعث شده است که رویه قانونگذاری در

اروپا و آمریکا تغییر کند و این کشورها برای دستیابی به امنیت، تغییرات اساسی در حقوق جزای ماهوی و شکلی خود ایجاد نمایند. در ۲۵ سال اخیر، این قوانین روند تصویب بیشتری پیدا نموده اند؛ کشور انگلستان با دنبال نمودن این قوانین، اختیارات بیشتری را برای حل مشکلات در ایرلند شمالی معرفی نموده است. این اقدامات، اختیارات پلیس را در رابطه با دستگیری و بازداشت ملیت های خارجی افزایش داده و منجر به بی اعتباری کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر و در نتیجه، اعتراض دانشگاهیان و وکلای مشهور حقوق بشر شده است.

اجازه بازداشت خارجیان و افزایش میزان زمان بازداشت، نمونه هایی از شدت اعمالی است که در این قوانین لحاظ گردیده است. از زمانی که حملات ۱۱ سپتامبر روی داد، ایالات متحده آمریکا با حمایت بسیاری از کشورها، به اصطلاح جنگی را علیه تروریسم آغاز کرد؛ این جنگ، تمام ثمرات حقوق بشری چند دهه گذشته و چارچوب حقوق بشر بین المللی را در معرض خطر قرار داده است. بعضی روش های بکار برده شده در دستگیری و بازجویی از اشخاص مظنون، حقوق بشر بین المللی و هنجارهای بشردوستانه را با نام ایجاد امنیت نقض کرده است. البته، این امر قابل تأمل است که همه این اعمال قابل انتقاد نیستند؛ بسیاری از اقدامات مشترک جهت اجرای قانون و جلوگیری از اقدامات تروریستی و سپردن اشخاص مظنون به دست عدالت، مطابق با حقوق بشر هستند.

۲-۳- حمایت های مالی از بزه دیدگان جنایات تروریستی

یکی از ساده ترین و شاید برجسته ترین گونه های حمایت از بزه دیدگان، حمایت مالی از راه هایی مانند برگرداندن مال، پرداخت پول یا هزینه هایی است که بزه دیده به دنبال ارتکاب جرم متحمل شده است که از آن معمولاً به جبران خسارت و پرداخت غرامت یاد می شود. به طور کلی، حمایت مالی ممکن است به دنبال آسیب برخاسته از جرم به دارائی های بزه دیده ضرورت پیدا کند؛ همچنان که ممکن است در پی آسیب

های بدنی یا روانی وارده به بزه دیده مصداق یابد و در آخر هم خسارات عاطفی، مدنظر خواهند بود.

در برخی از کشورها مانند فرانسه، کمک های اقتصادی نیز پرداخت می شود. کمک های اقتصادی به بزه دیدگان در فرانسه بستگی به مبالغی دارد که چه از طرف برخی انجمن ها جهت کمک به گروه های خاصی از بزه دیدگان و چه به عنوان کمک اجتماعی در معنای عام آن به آنها اختصاص پیدا کرده است. کمیسیون های جبران خسارت بزه دیدگان به منظور برآوردن سریع نیازها و احتیاجاتی که به طور مستقیم با خسارت وارد شده ارتباط دارند، سازماندهی شده است. در میان این خسارات، درباره جبران آسیب های عاطفی گرایش برتری که به چشم می خورد، برآوردناپذیری مطلق مالی آنهاست. به همین جهت، بسیاری از کشورها اگرچه جبران آسیب های روانی را در کنار جبران آسیب های بدنی پذیرفته اند ولی به ترمیم آسیب های عاطفی نپرداخته اند. البته، در این میان، کشورهایی را نیز می توان یافت که حق جبران خسارت مادی را در برابر آسیب های عاطفی نیز مجاز می شمارند. به هر صورت، در جریان بزه، بزه دیده متحمل ناملایمات و رنج روحی و هزینه های مادی ناشی از آن شده است؛ لذا تردیدی در حق بزه دیده نسبت به ترمیم و جبران خسارت وجود ندارد.

۲-۳-۱- منابع تامین خسارات بزه دیدگان جنایات تروریستی

جبران خسارت مادی و معنوی، یک تأسیس قدیمی است. اصولاً مسئولیت به معنای این است که در هر موردی که شخصی مسئول نقص یا عیب مالی قرار گیرد - خواه به مباشرت باشد یا به تسبیب و خواه آن مال منقول باشد یا غیر منقول - باید به جبران آن پردازد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۶۱). تأمین ضرر و زیان بزه دیده گان در درجه اول به وسیله خود مرتکبین بزه و بزهکاران صورت می پذیرد.

سیستم جبران خسارت توسط مرتکبین، ساز و کار اصلی است که برای جبران خسارت حوادث مورد استفاده واقع شده است. این طریق را که از آن به روش جبران خسارات عمومی یاد می گردد و در آن، مسئولیت به عهده خود بزهکاران است می

توان نخستین راهکار معرفی نمود. این راه حل برای کشورهای که در طول ۴۰ سال اخیر در اثر اقدامات تروریستی در خطر بودند راه حل قابل قبولی که بتواند به جبران خسارت کامل بزه دیدگان بپردازد، به نظر نمی رسد؛ لذا بحث قانونگذاری جدید در این زمینه و موضع گیری دولت ها در جبران این خسارت ها که دارای حجم کمی هم نبودند مطرح گشت. بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر، ۷۰ درصد از مردم آمریکا برای بزه دیدگان کمک های مالی فرستادند. کنگره آمریکا نیز برای اولین بار مبالغی را برای جبران خسارت بزه دیدگان تخصیص داد. این اولین برنامه جبران خسارت برای بزه دیدگان تروریسم در دولت آمریکا نیز محسوب که غیر از خود تروریست ها منابع دیگری معرفی می گشت. ۱۰ روز بعد از حملات مرگبار ۱۱ سپتامبر بود که کنگره آمریکا مبالغی را برای جبران خسارت بزه دیدگان این واقعه که در آن روز زخمی شده و یا خویشان خود را از دست داده بودند، در نظر گرفت. کنگره آمریکا بیش از ۷ میلیون دلار برای حمایت از بزه دیدگان و خانواده هایشان و همچنین مبالغی را نیز برای کمک به صنعت هوایی آمریکا در نظر گرفت و در کنار دولت، قوانین کشورها، بیمه ها و دیگر روش های سیستم حقوقی نیز برای جبران خسارت بزه دیدگان تروریسم عنوان شده اند. در واقع، داشتن هماهنگی در استفاده این منابع بیمه های خصوصی، مسئولیت های مدنی، کمک های مردمی و برنامه های دولت بهترین نتیجه را در پی خواهد داشت (Alvanou, 2007: p:2) لذا اکثر کشورهای که در زمینه خسارات تروریسم odgd آسیب پذیر بوده اند به قانونگذاری مستقیم پرداخته و منابع و نحوه جبران خسارات را تعیین نموده اند و حتی قانون خاصی را با عنوان بزه دیدگان تروریسم به تصویب رسانده اند. البته کشورهای هم هستند که میزان خسارت بزه دیدگان کیفری و برنامه های حمایت از آنها را توضیح داده اند و این در حالی است که بزه دیدگان تروریستی هم شامل آن می شوند. این کشورها ما بین بزه دیدگان جنایات تروریستی و جرایم عمومی تفاوتی قائل نیستند.

۲-۳-۲- حمایت‌های غیر مالی از بزه دیدگان جنایات تروریستی

در حقوق غیر مالی در کنار توجه به جبران خسارات جسمانی، مالی و عاطفی بزه دیده، به نیازهایی چون تأمین امنیت و حق آگاهی وی بها داده می‌شود که چه بسا در رابطه با برخی از بزه دیدگان از خسارات مالی نیز ارزشمندترند. حقوق غیر مالی با تأکید بر حسّ همدردی و احترام به شأن بزه دیدگان، در بر گیرنده طیف وسیعی از حقوق مبتنی بر نیازها و خواسته‌های آنان است. سیاست کیفری برای حمایت از بزه دیده، از ابزار قانون کمک می‌گیرد؛ لذا تدوین قانونی که به شناسایی بزه دیده و کلیه حقوق و نیازهای او پردازد در اولویت خواهد بود. صرف این که باید به بزه دیدگان اهمیت داد، دارای هیچ ضمانت اجرایی نخواهد بود. این قانون باید کلیه نیازهای بزه دیدگان را مدنظر داشته باشد. تدوین و تصویب قوانین حمایتی در خصوص به رسمیت شناختن حقوق بزه دیدگان می‌تواند ضمانت اجرای مناسبی جهت اعمال حقوق آنان بوده و در مقابل کسانی که در رعایت و اجرای حقوق بزه دیدگان کوتاهی می‌کنند موضع مشخصی را اتخاذ نمود.

یکی دیگر از نیازهای بزه دیدگان تروریسم، حق آگاهی از جریان رسیدگی به پرونده، زمان و چگونگی رسیدگی به آن و همچنین آگاهی از این است که سرانجام پرونده چه خواهد شد. همین‌طور بزه دیدگان تروریسم باید از حقوقشان به عنوان یک بزه دیده و همین‌طور نهادهایی که به حمایت و تأمین نیازهایشان می‌پردازند، آگاه باشند. بزه دیده، نیازمند دریافت آگاهی و دریافت پرسش‌های خود از دلیل وقوع بزه و این که چرا در آن زمان، مورد ارتکاب جرم قرار گرفته‌اند، می‌باشند. در دادگاه‌های اختصاصی داخلی تنها دادستان است که برای طرح دعوا در دادگاه صلاحیت دارد و این که قربانیان بتوانند در آن نقشی را ایفاء نمایند. پیش‌بینی نشده است.

تأمین امنیت، یکی از حقوق بزه دیده و گواهان در فرایند رسیدگی کیفری است. به همین منظور، باید تدابیری برای کاهش گرفتاری‌ها و دردهای بزه دیدگان، حمایت از زندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت و تضمین امنیت خود و خانواده و گواهان

آنان در برابر تهدید و انتقام اندیشید. حمایت از بزه دیدگان و تأمین امنیت آنان در زمانی مطرح می‌گردد که ایشان باید برای تحقیق به پلیس مراجعه کنند و نیز زمانی که باید در دادگاه حاضر شوند، مطرح می‌گردد. چاره اندیشی درباره این تدبیر، یکی دیگر از راه‌های پاسخگویی به نیازهای بزه دیدگان خصوصاً بزه دیدگان جنایات تروریستی انگاشته می‌شود. در بیست و هفتمین کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۶، در رابطه با این مسأله اعلان شد که شاهدان جنایات تروریستی در دادگاه‌ها باید از حداکثر حمایتی که امکان پذیر است برخوردار شوند.

همچنین تأمین نیازهای درمانی بزه دیدگان به لحاظ فوریت داشتن بر سایر نیازمندی‌ها تقدم دارد. اصول عالی انسانی ایجاب می‌کند که نیازهای درمانی بزه دیدگان حتی اگر در وقوع جرم مقصر باشند در اسرع وقت مرتفع گردد. در رابطه با تروریسم این مسأله دارای اهمیت بیشتری نیز خواهد بود. تروریسم با ابزارهایی چون بمب‌گذاری در کمترین زمان بیشترین میزان آسیب را برای انسان در پی خواهد داد.

نتیجه گیری

بزه دیده یکی از ارکان مهم هر پدیده مجرمانه است که متأسفانه تاکنون موقعیت واقعی و تعیین کننده خود را در سیاست کیفری همه کشورها خصوصاً ایران نیافته است. پژوهشگران مسائل جزایی بیشترین تلاش خود را بر عناصری چون جرم، مجرم و مجازات متمرکز کرده اند. در نتیجه، بزه دیده جرم از نظر دور مانده است. با ظهور بزه دیده شناسی در دهه های اخیر، گام های بلندی برای مطالعه علمی بزه دیدگان و شناخت ویژگی‌ها و جایگاه آنان در عدالت کیفری برداشته شده و با تأثیر گذاری ایده‌های اخلاقی بر آن، رویکرد جدیدی با عنوان «حمایت از بزه دیدگان» فراروی بزه دیده شناسان قرار گرفته است.

حمایت از بزه دیدگان ضمن اتکا بر مبانی محکم، در ابعاد مختلفی چون حمایت های روانی و پزشکی پس از وقوع جرم، مساعدت های قضایی در طول دادرسی و

خسارت زدایی پس از آن در حد مطلوبی در اسناد و کنوانسیون های بین المللی مطرح گردیده است.

این امر در رابطه با بزه دیدگان جنایات تروریستی نیز مطرح شده است. کمک، حفاظت و جبران خسارت و پرداخت غرامت به بزه دیدگان جنایات تروریستی، جزو مهم استراتژی های جهانی برای مبارزه با تروریسم به شمار می رود. دولت ها، مدل های مختلفی را برای کمک، محافظت و آزادی بزه دیدگان جنایت های خشونت وار توسعه داده اند و در عین حال، انواع مختلفی از ابزارهای جبران خسارت را به مرحله اجرا در آورده اند. موضوع شیوه های گوناگون جبران خسارت بزه دیدگان در جرایم متفاوت، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. علیرغم تلاش ها و ابزارهای بین المللی چند جانبه و با وجود اولویت دهی به یک شیوه اصولی، بدیهی به نظر می رسد که یک مدل جبران خسارت کامل - که از قانون ضرر و زیان بزه دیدگان عمومی تبعیت می کند - نمی تواند موجه باشد؛ از اینرو وقتی که مدل جبران کامل خسارت در ایالات متحده آمریکا توسعه یافت و به نظر می رسید که در اروپا نیز این امر طرفدارانی خواهد داشت. این مسأله که مفهوم خسارات سخت و طاقت فرسا بر پیکره وحدت و یکپارچگی اجتماعی فشار وارد خواهد کرد، موجبات عدم پذیرش این روش و ناعادلانه خواندن آن پدیدار گشت.

بحث ها برای پذیرش یک راه حل منطقی و بر طبق قانون برای جبران خسارات بزه دیدگان خشونت به جای پذیرش یک مدل حادثه ای جبران خسارت که به اعمال تروریستی خاص واکنش نشان می دهد - مانند آنچه در حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا اجرا شد - مطرح شده است. این امر از آنجاست که اگرچه جبران خسارت بر پایه مدل حادثه ای و برنامه نویسی موقت و غیر رسمی، انعطاف پذیر می باشد اما نیازهایی که به وسیله اصول پیش بینی پذیری تنظیم می شود را برطرف نمی کنند. مسأله دیگر، اشاره به این مسأله کم و بیش حل نشده دارد که جبران خسارت و غرامت در صورت تعدی و ظلم تروریست در خارج از یک کشور، چه سرانجامی خواهد داشت؟ به نظر می رسد

که استانداردهای مختلف اقتصادی - تحت اصول تمامیت بین المللی که سطح غرامت یک دولت را تعیین می کند و در یک کشور خاص قابل دسترسی است - می تواند بزه دیدگان سراسر جهان را با مسائل مالی جدی مواجه سازد.

از نقطه نظر یک دیدگاه اروپایی، جبران خسارت بزه دیدگان جنایت خشونت وار، به وسیله وحدت و یکپارچگی اجتماعی و عدالت اجتماعی توجیه می شود؛ از اینرو باید در حمایت از بزه دیدگان، روشی اتخاذ گردد که شامل همه افرادی گردد که در هر جای جهان به صورت قربانی و بزه دیده خشونت و تروریست در آمده اند. برای چنین مواردی، ترجیحاً جبران خسارت بر اساس کمک های مالی دولت های وطنی فراهم می گردد. در واقع، مرزهای ملی نباید دولت ها را از حمایت شهروندان در برابر جنایات تروریستی و دیگر تعدی گری های جدی باز دارد. در عین حال، برخی از دولت ها و کشورهای اروپایی به طور داوطلبانه، جبران خسارت بیشتری را با توجه به مسائل قانونی با جنبه های سیاسی از طریق صندوق های مازاد جبران خسارت و غرامت بزه دیدگان جنایی و تروریستی، در اختیار این قربانیان قرار داده اند.

منابع

- اتنف، رنالد (۱۳۸۳)، **رهیافت جرم شناختی و بزه دیده شناختی به تروریسم**، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ۳۹، ۳۱۷-۳۴۲.
- استول، مایکل؛ لایمن، مایکل؛ پاتر، گری؛ فلوری، موریس؛ هیگینز، روزالین؛ پترس غالی، پترس؛ کاسسه، آنتونیو؛ آرون شوارتز، دیوید؛ بوریه، ژاک؛ فلمینگ، پیتر؛ دردیان، جیمز (۱۳۸۴)، **تروریسم (تاریخ؛ جامعه شناسی؛ گفتمان؛ حقوق)**، ج ۲، ترجمه: عباس باقرپوراردکانی، علیرضا طیب، زهرا کسمتی، اسماعیل بقایی هامانه، سیدقاسم زمانی، وحید بزرگی، تهران: نی.
- الیاسی نیا، ابوالفضل؛ عارف نیا، طیبه (۱۳۹۹)، **واکاوی تأثیر اذن بزه دیده در مسئولیت کیفری و مدنی بزهارکار با نگاهی به سیر قانونگذاری در ایران**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۳، ۶۷-۹۶.
- خامه ای، انور (۱۳۸۱)، **شاه کشی در ایران و جهان (جامعه شناسی و تاریخ تروریسم)**، تهران: چاپخش.

سیاست کیفری در حمایت از بزه دیدگان جنایات تروریستی _____ ۱۶۹

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، **بزه دیده شناسی حمایتی در پرتو اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت**، مجله پژوهش های حقوقی، ۷، ۲۹-۵۳.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، **بزه دیده شناسی حمایتی**، تهران: دادگستر.

- زهر، هوارد (۱۳۸۳)، **عدالت ترمیمی**، ترجمه: حسین غلامی، تهران: مجلد.

- غلامی، حسین (۱۳۹۳)، **عدالت ترمیمی**، چ ۵، تهران: سمت.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، **قانون مدنی در نظم کنونی**، چ ۵۴، تهران: میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ غلامی، حسین؛ محمودی، فیروز؛ محمدی، قاسم (۱۳۸۴)، **میزگرد: عدالت برای بزه دیدگان**، مجله حقوقی دادگستری، ۵۲ و ۵۳، ۷۴-۸.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۴)، **جرم شناسی (بزه دیده شناسی)**، تقریرات دوره

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، تهران.

- والین، کوک (۱۳۸۵)، **قربانیان و شهود در جنایات بین المللی: از حق حمایت تا حق**

بیان، ترجمه توکل حبیب زاده و مجتبی جعفری، مجله حقوقی بین المللی، ۳۴، ۳۳-۵۶.

- Lloyd and Kagancoff Stern (2002), Compensation policies for victims of terroris.

- Maria alva, (2007), The right to compensation for victims of terrorist, University cattolica.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی